

## بررسی تطبیقی صراط، سبیل و طریق در آیات و روایات

زینب رame<sup>۱</sup>، سید حمیدرضا میرعظیمی<sup>۲</sup>، محمود شیخ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### چکیده

در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) واژگان بسیاری یافت می‌شود که در ظاهر به یک معنا هستند، اما با دقت در آیات و روایات، به معانی بیشتر و عمیق‌تر آن و متمایز شدن آن واژه از دیگر واژه‌های هم‌معنای خود پی می‌بریم. گاه این قرابت معنایی تا جایی است که تمایز آنها را از یکدیگر دشوار می‌سازد و در ترجمه به صورت کاملاً مترادف برگردان می‌شوند. یکی از این واژه‌های قریب‌المعنا، کلمه «راه» است که در اکثر موارد به صورت «صراط»، «سبیل» و «طریق» دیده می‌شود. مساله پژوهش حاضر یافتن مفهوم «صراط»، «سبیل» و «طریق» و مصادیق آنها در آیات قرآن و روایات در بحثی تبیینی – تطبیقی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که هرچند در لغت برخی از واژه‌ها با یکدیگر وجوه مشترک دارند، اما این اشتراکات به معنای مترادف تام میان این الفاظ نبوده و تفاوت‌هایی در معنا نیز میان آنها وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** صراط، سبیل، طریق، آیات، روایات

## ۱. مقدمه

اگر واژه‌ها را اصلی‌ترین عناصر قرآن کریم در نظر بگیریم، تلاش برای درک متون قرآنی را می‌بایست از فهم این عناصر، آغاز نماییم. کثرت معاجم لغت و کتب تفسیری که در اغلب آنها و در خلال مباحث تفسیری به بررسی واژگان و مفردات پرداخته شده‌است، مهر تأییدی بر این مطلب‌است (محبوب و علی‌پورعبدلی، ۱۳۹۸: ۶۴). باین وجود، در کتاب قرآن، بعضاً با الفاظی برخورد می‌کنیم که معنایی نزدیک به هم دارند و گاه این قرابت معنایی تا جایی‌است که تمایز آنها را از یکدیگر دشوار می‌سازد و در ترجمه به صورت کاملاً مترادف برگردان می‌شوند؛ لکن از آنجاکه باور داریم متن قرآن، متنی محکم و دقیق‌است و بدان جهت که این کتاب با تمامی صلابتش به خداوند حکیم تعلق دارد و خداوند هیچ کاری را بدون هدف انجام نمی‌دهد و همه کارهای او از علم و حکمت وی نشأت گرفته‌اند، درمی‌یابیم که قرآن حکیم به عنوان کامل‌ترین کتاب هدایت بشر، از این قاعده مستثنی نیست و در نتیجه انتخاب الفاظ آن حساب شده بوده (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۶) و هرچند در لغت برخی از واژه‌ها با یکدیگر وجوه مشترک دارند، اما این اشتراکات به معنای ترادف تام میان این الفاظ نبوده و تفاوت‌هایی در معنا نیز میان آنها وجود دارد. یکی از واژه‌های پرکاربرد که به شکل‌های مختلف در قرآن کریم وجود دارد، واژه «راه» می‌باشد که به صورت سبیل، سبل، طریق، طرق، طرائق، منهاج، شرع، شرعه، فجّ، نجد، جدد، حبک و... به کار رفته‌است. اگرچه همه این واژگان در اصطلاح به معنی «راه» اطلاق می‌شوند و به ظاهر ترادف معنایی دارند، اما از لحاظ لغوی هریک بر معنایی مستقل و خاص دلالت دارند و ترادف آنها نسبی است نه مطلق. از میان این تعابیر، پرتکرارترین و مهم‌ترین واژگان را می‌توان «صراط»، «سبیل» و «طریق» دانست، بنابراین شناخت مفاهیم، مصادیق و تفاوت‌های این سه واژه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بدین ترتیب به منظور بررسی و تبیین دقیق‌تر این واژه‌ها در آیات قرآن، مفاهیم و مصادیق این واژگان در آیات قرآن کریم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، از آنجاکه احادیث یکی دیگر از منابع مهم دینی محسوب می‌شوند، باتوجه به دامنه گسترده‌شان، ظرفیت بالایی را برای تعریف و معناشناسی واژه‌ها دارا هستند، تلاش شده‌است پس از بررسی سه واژه مذکور در آیات قرآن کریم، این واژگان در روایات و احادیث ائمه اطهار نیز مورد بررسی قرار گیرد. نظر به آنکه تاکنون پژوهشی پیرامون بررسی تطبیقی واژه‌های صراط، سبیل و طریق در آیات و روایات انجام نشده‌است، امید است این تحقیق در مسیر تفسیر و درک آیات قرآنی و احادیث، پرتویی تازه برافکند.

## ۱. نگاهی به مصادیق «صراط» در آیات قرآن

## ۱-۲. مطلق راه

در آیه ۸۶ سوره اعراف، «صراط» به معنای «طریق» به کار رفته‌است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۵۲۱/۵). در آیه «مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ»<sup>۱</sup> واژه هدایت به معنای راهنمایی نیست، بلکه رساندن به هدف و مقصد است. برخی فائلدن بردن به سوی دوزخ را هدایت به سوی آن خوانده، از باب استهزاء است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۲). طبق این معنا، گاه مراد اعم از راه مثبت و منفی است. در تفسیر مقاتل بن سلیمان صراط مستقیم به معنای «طریق الإسلام» ذکر شده‌است (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۸۴/۳). طبرسی نیز به نقل از ابن عباس و مجاهد به معنای راه آشکار محکم دانسته‌است و به نقل از قتاده این امر را مربوط به آخرت می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۰: ۴۹۳-۴۹۴).

## ۲-۲. راه خدا

طبق نظر برخی مفسرین، آیه ۵۶ سوره هود، این آیه دلالت بر این دارد که پروردگار در مورد تدبیر کار بندگان بر طریقه حق است و هیچ کجی و لغزشی در آن نیست و همان گونه رفتار می‌کند که مصلحت بندگان و نیز حکمتش اقتضا می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۵۹/۸). طبری در آیه ۱۵۳ انعام نیز «صراط» را به معنای اسلام دانسته‌است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۳۰/۱۲)، درحقیقت راهی که خداوند بدان اشاره فرموده‌است، راه عادلانه‌ای است که بدون تحریف به حق منتهی می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۹: ۱۵۴).

<sup>۱</sup> صافات/۲۳

مراد از «صراط‌الله» در آیه ۵۳ سوره شوری، دین‌الله (بلخی، ۱۴۲۳: ۱۸۳/۳) و نیز «دین‌الله‌الذی شرعه لعباده» بیان شده‌است (بغدادی، ۱۴۱۵: ۱۰۴/۴).

### ۳-۲. راه پیامبر اکرم (ص)

«إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۲</sup>؛ باتوجه به این‌که در میان پیامبران، پیامبر اکرم (ص) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، افزون بر این خود رهرو صراط مستقیم است، دیگران را همراه خویش می‌برد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۴/۱). در این راستا، خداوند متعال پیامبر را بر صراط مستقیم و بلکه عین صراط مستقیم می‌داند، تمام شئون و وظایف پیامبر بر صراط مستقیم است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰: ۳۱۸/۱).

### ۴-۲. راه نعمت داده‌شدگان

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»، در این آیه «صراط مستقیم» به «نعمت» تصریح شده است، ولی پس از آن‌که آن را به راه کسانی که مورد نعمت قرار گرفته‌اند، معرفی می‌نماید، دانسته می‌شود که خود آن، نعمت است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۰۷/۱)<sup>۳</sup>.

### ۵-۲. دین

در کتب تفسیری اغلب واژه «صراط» در آیات قرآن، حتی برای انبیاء پیشین به معنای دین اسلام به کار رفته‌است مانند: آیه ۶ سوره فاتحه، آیه ۱۶ سوره اعراف، آیه ۱۲۶ سوره انعام، آیه ۱۱۸ سوره صافات، آیه ۵۱ آل عمران، آیه ۱۴۲ بقره و ...

### ۶-۲. دین اسلام

در آیه ۵۲ سوره شوری، بغدادی عبارت: «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي» را اشاره به دعوت به سوی راه مستقیم؛ یعنی دین اسلام می‌داند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۱۰۴/۴) و نیز در تفسیر مقاتل و طبری به معنای اسلام به کار رفته‌است (بلخی، ۱۴۲۳: ۱۸۳/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۲۵). وی همچنین آیه یکم سوره ابراهیم را معنای دین اسلام می‌داند که به بندگان امر می‌کند: «يَعْنِي إِلَى دِينِ الْإِسْلَامِ وَهُوَ دِينُ الَّذِي أُمِرَ بِهِ عِبَادَهُ» (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۷/۳). در سوره حج آیه شریفه «وَوَهَّدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هَدُّوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ»، منظور از «صراط‌الحمید» که دین اسلام است، به راهی تشبیه شده‌است؛ زیرا به رضای خدا منتهی می‌شود (طوسی، ۱۹۱۴: ۳۰۵/۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۰/۱۷).

### ۷-۲. راه هدایت

«وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۴</sup>؛ یعنی هدایت به سوی دین آشکار (طوسی، ۱۹۱۴: ۱۹۷/۲). طبرسی در تفسیر این آیه سه قول را بیان می‌کند: ۱- خداوند صراط مستقیم را برای هر کسی بخواهد، دلالت می‌دهد. ۲- کسانی که لیاقت و شایستگی و هدایت در علم خدا را دارند، هدایت می‌کند. ۳- خداوند آن‌ها را در این راه قرار داده و به بهشت راهنمایی می‌کند که این هدایت غیر از هدایت عمومی و مختص به هدایت مؤمنین است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۴۴/۲)، بنابراین هدایت در راه مستقیم به مشیت و خواست خداوند است. علاوه بر این، با بررسی آیات به این مهم می‌رسیم که در برخی آیات، خداوند متعال مشخص نموده که چه کسانی را هدایت نموده‌است و کلمه «صراط» متوجه کدام شخص بزرگوار است؛ گاه آیه خطاب به پیامبر اکرم (ص) است (آیه ۲ سوره فتح)، گاه حضرت ابراهیم (ع) (آیه ۱۲۱ سوره نحل)، گاه حضرت موسی و هارون (ع) (آیه ۱۱۸ سوره-

<sup>۲</sup> یس/۴-۳

<sup>۳</sup> فاتحه/ ۷

<sup>۴</sup> بقره/ ۲۱۳

صافات)، گاه خطاب به همه پیامبران الهی (آیه ۸۷ سوره انعام) و گاه مؤمنان (آیه ۲۰ سوره فتح) و اطاعت‌کنندگان از خدا و رسول (آیه ۶۸ سوره نساء) است.

## ۸-۲. ولایت امام علی (ع)

در تفسیر برهان از ابن شهر آشوب از علی بن عبدالله بن عباس از پدرش و نیز از زید بن علی بن الحسین (ع) روایت آورده که مراد از «صراط مستقیم» در آیه: «وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ولایت حضرت علی (ع) است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۵/۳).

## ۹-۲. عبودیت و اطاعت

در آیه ۱۶۱ سوره انعام، معنای «صراط مستقیم»، راه بندگی خداست، برخی عبادت را به اطاعت تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۳/۴). «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ این آیات سخن حضرت عیسی (ع) است و عبودیت خدا را صراط مستقیم ذکر کرده‌است.

## ۱۰-۲. تبعیت از خدا و قرآن و رسول

آیه: «وَأَنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ بیانگر آن است که بر راهی که من بر آن هستم، اطاعت کنید که این راهی است راه آشکار و استوار (طبرسی، ۱۳۷۷: ۸۲/۹).

## ۱۱-۲. اعتصام به خدا یا تمسک به کتاب خدا و پیروی رسول خدا

«وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ نکته قابل ذکر این که «اعتصام»، تمسک به کتاب خدا و پیروی رسول خدا (ص) است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۹/۳).

## ۱۲-۲. راه عدل

خداوند در آیه ۷۶ سوره نحل دو مرد را مقایسه می‌کند. یکی أبکم است؛ یعنی قدرت تکلم ندارد و گنگ است، لذا نمی‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند و سربار مولای خود است و قادر بر انجام کاری نیست. دیگری أمر به عدل می‌کند و خود بر صراط مستقیم است بعد سؤال می‌کند، آیا این دو مرد مساویند؟ دومی بر راه راست و واضح دین است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۷۸/۶) و نیز شیخ طوسی درخصوص «وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» در این آیه، بر این نظر است که امر و کارش براساس عدل است و در دعوتش به سوی عدالت، در مسیر حقانیت و حق است و در کار و امرش در مسیر مستقیم است که هیچ کجی و انحرافی در آن نیست (طوسی، ۱۹۱۴: ۴۱۰/۶).

## ۱۳-۲. راه انسان شنوا و حق‌گو

در آیه ۳۹ سوره انعام، مقصود از قرارگرفتن «صراط مستقیم» در مقابل کوری و کری در تاریکی، داشتن گوش‌ی است که دعوت خدا را بشنود و بپذیرد و چشمی که حق را ببیند. این پاداش کسانی است که آیات خداوند را تکذیب نمی‌کنند، پس خداوند هرکس را بخواهد هدایت کرده و بر صراط مستقیم قرار می‌دهد و یا هر کس را بخواهد گمراه می‌کند، البته معیشتش برای هدایت و گمراهی برای کسانی است که استحقاق هدایت و یا گمراهی را دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۴/۷).

<sup>۵</sup> یونس/۲۵

<sup>۶</sup> آل عمران/۵۱

<sup>۷</sup> زخرف/۶۱

<sup>۸</sup> آل عمران/۶۱

## ۱۴-۲. راه حق یا ایمان به آخرت

آیه: «وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۹</sup> و آیه: «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَفِّرُنَّ»<sup>۱۰</sup> بیانگر این است که انسان‌ها در مقابل صراط دو دسته‌اند؛ برخی در راه صراط هستند و برخی دیگر از راه صراط منحرف شده و سقوط می‌کنند. پیامبر اکرم (ص)، هم دعوت‌کننده مردم به راه مستقیم است و هم خود بر صراط مستقیم است، بنابراین دغدغه هدایت مردم را دارد، اما کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از صراط یا دین حق منحرف‌اند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۷۵/۳).

## ۱۵-۲. طلب راه حق

علامه طباطبایی در معنای «فاستبقوا الصراط» در آیه ۶۶ سوره یس، می‌گوید: طلب و خواست آن‌ها این بود که به‌سوی طریق حق و واضح سبقت گیرند؛ طریقه‌ای که سالک آن گمراه نمی‌شود، ولی آن را ندیدند و هرگز هم نخواهند دید، بنابراین جمله «فانی بیصرون» کنایه از آن است که هرگز نخواهند دید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۷/۱۷). برخی از مفسرین نیز گفته‌اند: به‌سوی صراط و راه نجات پیشی می‌گیرند، اما هدایتی برای آن‌ها نیست (طبرسی، ۱۳۷۷: ۶۷۴/۸).

## ۲. نگاهی به مصادیق «سبیل» در آیات قرآن

## ۱-۳. مطلق راه

سبیل در آیات قرآن به راه‌های زمینی (آیه ۱۵ سوره نحل)، دریایی (آیه ۶۱ سوره کهف) و راه سفر (آیه ۹۸ سوره نساء) اطلاق می‌گردد.

## ۲-۳. راه و طریقه «توالد و تناسل»

در آیه ۲۹ سوره عنکبوت، استفهام در کلمه «أَتُنَكِّمُ» با نون تأکید، بیانگر این است که وضوح و روشنی قبح عمل ذکر شده، به قدری است که تردیدی در آن راه ندارد. لذا مراد از «تَأْتُونَ الرِّجَالَ» لواط و «تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ» دوری از زنان و بستن راه توالد و تناسل است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶:۱۲۳).

## ۳-۳. اطاعت از خدا و دستورات الهی

گاهی مراد از سبیل، به معنای اطاعت از رهبران سالک در راه خداست؛ مانند اطاعت از مؤمن آل فرعون: «وَقَالَ آلُ ذِي أَمْنٍ يَا قَوْمِ أَتَّبِعُونَ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ»<sup>۱۱</sup> در معنای عدم اطاعت از والدین است، زمانی که براساس جهالت و نادانی چیزی را شریک خداوند قرار می‌دهند.

## ۴-۳. عقوبت و سرزنش

ابن عاشور براین باور است که «سبیل» به معنای دلیل و بهانه است؛ زیرا خداوند در آیه ۹۱ سوره توبه سه گروه ضعیفان و ناتوانان، بیماران و کسانی را که چیزی برای انفاق ندارند از جنگ به شرطی معاف می‌کند که خیرخواه خدا و رسولش باشند، لذا برای نیکوکاران هیچ راه عقاب و سرزنشی وجود ندارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹۴/۱۰).

<sup>۹</sup> مؤمنون/۷۳<sup>۱۰</sup> مؤمنون/۷۴<sup>۱۱</sup> غافر/۳۸

## ۵-۳. جهاد

در آیه ۱۵۴ سوره بقره، «سبیل» به معنای راه و جهاد و از این جهت «سبیل الله» گفته می‌شود که راهی به سوی ثواب خداوند است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۳۷/۱). علاوه بر این، برخی بر این نظر هستند که در آیه ۱۹۵ سوره بقره، خداوند دستور انفال مال را جهت برپاداشتن جهاد در راه خدا داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۴/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵/۱۱۵-۱۱۶).

## ۶-۳. حجت و برهان

ذیل آیه ۱۴۱ سوره نساء، اقوال مختلفی بیان شده است؛ بنابر نظر ابن عباس خداوند، یهود را بر مؤمنان پیروزی و غلبه قرار نداده است. جبابی گوید: اگر آیه را حمل کنیم بر این که مقصود غلبه است، مانعی ندارد و صحیح است؛ زیرا علت غلبه کافران بر مومنان از فعل خدا نیست، چون خداوند کار زشت انجام نمی‌دهد. این برخلاف غلبه مؤمنان بر کافران است که می‌توان به خدا نسبت داده شود. برخی نیز گفته‌اند منظور از «سبیل» یعنی خداوند برای کافران در آخرت غلبه قرار نداده است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۹۶/۳).

## ۷-۳. مسلک

«وَلَا تَنْكَحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا»<sup>۱۲</sup> به معنای منفی آمده است.

## ۸-۳. راه زنبور عسل

در آیه ۶۹ سوره نحل، برخی گویند «ذلالا» حال است از «سبیل» و برخی دیگر بر این نظر هستند که «ذلالا» حال است از «نحل»؛ یعنی خداوند راه‌هایی را برای زنبور عسل قرار داده که رام و هموار است و در حرکت خود مطیع و فرمانبردار خداوند است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۱۹/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۷۳/۶). نکته قابل ذکر دیگر این که اضافه «سبیل» به «رب» دلالت دارد بر این که زندگی زنبور عسل بر اساس الهام انجام می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۳/۱۲).

## ۹-۳. تسهیل کننده راه هدایت به سوی خدا

«مِنْ نُطْقِهِ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ. ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ»<sup>۱۳</sup> راه تولد و دنیا آمدن و یا راه ولادت و هدایت است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۴/۳).

## ۱۰-۳. مال و توشه، صحت و توانایی

آیه ۹۷ سوره آل عمران، اشاره به توانایی و داشتن راهی برای سفر به حج دارد. عیاشی از امام صادق (ع) درباره آیه: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلٌ» نقل می‌کند که منظور از «سبیل» صحت بدنی و توان مالی است. در همان جا روایتی از حفص الأعور عبارتی با این مضمون به کار رفته است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۹۳/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۶۱/۱). طبرسی درباره استطاعت اقوال مختلفی را ذکر کرده است: از نظر ابن عباس استطاعت به معنای زاد و راحله است. از ائمه (ع) آمده است که مراد از استطاعت، زاد و راحله و نفقه زبردستانی است که نفقه آن‌ها بر گردن انسان ضروری است. همچنین پس از بازگشت از سفر، وسیله معیشت زندگی مانند ثروت یا ملک یا شغلی را داشته باشد که البته این موارد منوط به قدرت بدنی و عدم مانع در راه می‌باشد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳۵۰/۲).

## ۱۱-۳. راه گریز یا حدود الهی

از امام صادق (ع) نقل شده است که آیه ۱۰۰ سوره نساء نسخ شده و مراد از سبیل، حدود الهی است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۲۷/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۳۰/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۳/۲).

<sup>۱۲</sup> نساء/۲۲

<sup>۱۳</sup> عبس/۱۹-۲۰

## ۱۲-۳. سایر مصادیق

علت‌ها (آیه ۳۴ سوره نساء)، هدایت و راه‌یابی (آیه ۸۸ سوره نساء)، تعدی و تجاوز (آیه ۹۰ سوره نساء و آیات ۴۱ و ۴۲ سوره شوری که برخی از مفسران سبیل را به معنای عقوبت و گناه بیان کرده‌اند)، راه حل مشکل (آیه ۱۵ سوره نساء)، دین (آیه ۱۲۵ سوره نحل)، ملت (آیه ۱۰۸ سوره یوسف)، هر چیزی که با آن به هدف و مقصود می‌رسند (آیه ۱۴۶ سوره اعراف) و راه گمراهی (آیه ۵۵ سوره انعام).

## ۳. نگاهی به مصادیق «طریق» در آیات قرآن

## ۱-۴. مطلق راه

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا»<sup>۱۴</sup> اعم از راه خوب یا بد؛ چرا که به گونه مطلق ذکر شده است. در آیه ۱۶۹ سوره نساء، آیه تصریح به راه بد و به معنای منفی آمده که مراد راه جهنم و دوزخ است. در تفسیر التحریر و التنویر، ذیل آیه ۱۶۸ طریق را راهی برای هدایت معرفی می‌نماید که خداوند کافران و ظالمان را هدایت نمی‌کند، مگر به راه جهنم، و در آیه بعد طریق به معنای جهنم تفسیر شده که ارتباط با آیه قبل دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۷: ۳۲۷-۳۲۸).

## ۲-۴. ایجاد راهی خشک در عمق دریا برای عبور بنی اسرائیل

در آیه ۷۷ سوره طه، طریق صرفاً به معنای راه اشاره دارد؛ راهی که حضرت موسی (ع) بر عبور در دریا گشوده است.

## ۳-۴. اعم از راه‌های زمینی و آسمانی

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ»<sup>۱۵</sup>

## ۴-۴. طریقه و مسلک و شیوه

در آیه ۱۰۴ سوره طه، کلمه «طَرِيقَةً» به معنای روش به کار رفته است. در آیه ۱۱ سوره جن نیز بنابر نظر سیوطی «طرائق قدداً»؛ یعنی منقطع از هر لحاظ «المنقطعة فی کل وجه» (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۷۳/۶). طبرسی آن را فرقه‌های بسیار در مذاهب مختلفه و هواهای متفرقه از مسلمان و کافر و صالح و پائین‌تر از صالح و... دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۵۹/۱۰). به‌باور علامه طباطبایی طرائق (جمع طریقه) به معنای روش‌هایی است که مورد عمل واقع شده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۴/۲۰).

## ۵-۴. آئین و دین و مذهب

«قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يَرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ»<sup>۱۶</sup>

## ۶-۴. راه ایمان

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا»<sup>۱۷</sup>

## ۴. بررسی تفاوت میان صراط، سبیل و طریق در آیات قرآن

اکنون که کاربردهای مختلف هر کدام از این واژه‌ها در آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت، در ادامه به بررسی تفاوت‌های این سه واژه پرداخته می‌شود.

<sup>۱۴</sup> نساء/۱۵۸

<sup>۱۵</sup> مؤمنون/۱۷

<sup>۱۶</sup> طه/۶۳

<sup>۱۷</sup> جن/۱۸

۱- واژه «صراط» در اصل با سین بوده است. در قرآن کریم واژه «صراط» همواره به صورت مفرد به کار رفته است، برخلاف واژه های «سبیل» (سبل) و «طریق» (طرائق) که هم به صورت مفرد و هم جمع آمده است: «ثُمَّ كَلِمَیْ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِیْ سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا»<sup>۱۸</sup> «وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ»<sup>۱۹</sup>

۲- خداوند با این که نام صراط و سبیل را در قرآن مکرر آورده است، تنها یک صراط مستقیم را به خود نسبت داده، اما سبیل های بسیاری را بر شمرده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»<sup>۲۰</sup> و نیز صراط مستقیم را جز در آیه: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، به کسی از مخلوقاتش نسبت نداده، ولی سبیل را در موارد متعددی به مخلوقاتش نسبت داده است؛ از جمله به پیامبر اکرم (ص): «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ»<sup>۲۱</sup> توبه کاران: «سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَى اللَّهِ»<sup>۲۲</sup> و مؤمنین: «سَبِيلَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲۳</sup> بنابراین سبیل غیر از صراط مستقیم است و با اختلاف احوال سالکان، راه عبادت نیز متفاوت می شود، اما صراط مستقیم، بزرگراهی است که همه راه های فرعی به آن متصل می شود: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ، يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ، سُبُلَ السَّلَامِ، وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ، وَيَهْدِيَهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۲۴</sup>

۳- سرّ متعدد بودن «سبیل» و واحد بودن «صراط» به دو گونه قابل تصویر است؛ یا صراط مستقیم شامل همه سبیل ها است، یا سبیل ها راه های فرعی هستند که بعد از اتصال با یکدیگر به صورت صراط مستقیم و شاهراه درمی آیند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱/۱). در تفسیر تسنیم آمده دستورهای اخلاقی، فقهی، حقوقی، راه های کوچک و فرعی است که به بزرگراه صراط منتهی می شود. «سبیل» کثیر است اما از «صراط مستقیم» که واحد است، جدا نیست و نسبت آن ها این گونه است که: «سبیل ها راه های فرعی هستند که به صراط متصل می شوند؛ مانند نورهای ضعیف که به خورشید منتهی می شود و نیز صراط مستقیم با وحدت انبساطی و گسترده خود، راه های فرعی را زیر پوشش خود دارد، بنابراین راه های فرعی در متن صراط و از مراحل اصلی آن محسوب می شود» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۶۸/۱).

۴- «صراط» یک راه بیش نیست و هرچه برخلاف آن باشد، «سبیل الغی» است. سرّ تعددناپذیری «صراط» آن است که به خداوند استناد دارد، بزرگراهی است که راه های کوچک و فرعی به آن منتهی می شود، اما «سبیل» و «طریق» برای راه های گوناگون و کوچک و فرعی است. در قرآن پیروی از راه های انحرافی نهی شده است؛ در آیه ۱۵۳ سوره انعام، جمع بودن «سبیل» همان انحرافات و هوس های شیطانی یا مادی است که گوناگون است.

۵- «سبیل» با شرک جمع می شود، ولی «صراط مستقیم» با ضلالت و شرک جمع نمی شود؛ مانند «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»<sup>۲۵</sup> که تعبیر دیگر سبیل با کمی نقص و یا حداقل امتیازی قابل جمع است، اما در «صراط» نه نقص راه دارد و نه

<sup>۱۸</sup> نحل/ ۶۹

<sup>۱۹</sup> مؤمنون/ ۱۷

<sup>۲۰</sup> عنکبوت/ ۶۹

<sup>۲۱</sup> یوسف/ ۱۰۸

<sup>۲۲</sup> لقمان/ ۱۵

<sup>۲۳</sup> نساء/ ۱۱۵

<sup>۲۴</sup> مائده/ ۱۶

<sup>۲۵</sup> یوسف/ ۱۰۵

صراط مستقیم فردی به صراط مستقیم فرد دیگری برتری و امتیاز دارد، بلکه هر دو صراط مستقیم است. به بیان دیگر، هر سبیلی مصداقی از صراط مستقیم است، ولی به واسطه امتیازاتی از سبیل‌های دیگر جدا و ممتاز می‌شود، بنابراین صراط مستقیم با هر یک از سبیل‌ها متحد است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱/۱).

۶- «سبیل» ممکن است دچار آفت گردد، ولی «صراط مستقیم» هرگز دچار آفت نمی‌شود. «سبیل» گاهی با شرک و ضلالت جمع می‌شود؛ مانند ایمان، اما «صراط» با شرک و ضلالت جمع نمی‌گردد. پس برای «سبیل» مراتب بسیاری است که بعضی از آن‌ها خالص و بعضی آمیخته با شرک و ضلالت است که منتهی به صراط می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲/۱).

۷- «صراط» فقط در خیر به کار رفته، اما سبیل و طریق، هم در راه خیر و هم در راه شرّ به کار رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳-۳۲/۱).

۸- «صراط» بزرگ‌راهی که از یک سو به خداوند سبحان مرتبط است (از این رو واحد است، نه کثیر) و از سوی دیگر در فطرت یکایک انسان‌ها قرار دارد.

## ۵. نمونه‌هایی از مفهوم و کاربرد صراط در روایات

### ۱-۶. کمین‌گاه یا پلی بر جهنم در آخرت

«صراط» یکی از مواقف روز قیامت است و در آموزه‌های روایی پل و گذرگاهی است بر روی جهنم که همه انسان‌ها در قیامت باید از آن بگذرند. در روایات آمده این پل از مو باریک‌تر و از لبه شمشیر تیزتر است: «صِرَاطٌ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۲/۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۴/۸ و ۷۰). چگونگی عبور از آن، منوط به ایمان و عمل آدمی در حیات دنیوی و تجسم اعمالی است که انسان در زندگی دنیایی خود برگزیده است. براساس روایات، عبور از صراط به شکل‌های گوناگونی آمده است؛ برخی مثل برق از آن می‌گذرند، برخی مثل اسب تیزرو، برخی بر سر و دست با سینه‌خیز، برخی پیاده و برخی هم در حالی می‌گذرند که به آن آویزانند و آتش‌گاه آنها را فرا می‌گیرد و گاه رها می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید: وضو را کامل بگیر تا از صراط هم‌چون ابر بگذری (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۳/۴).

### ۲-۶. راهی برای شناخت خداوند

از امام صادق (ع) درباره مفهوم «صراط» پرسیدند، امام صراط مستقیم را راه شناخت و معرفت خدا دانسته و نیز دو نوع صراط - صراط دنیا و صراط آخرت - معرفی نمودند و در توضیح می‌فرمایند: صراط در دنیا همان امام است که اطاعتش واجب است، هر کس او را بشناسد و به او اقتدا کند در آخرت از صراطی که پلی است بر روی جهنم عبور کند و هر کس او را نشناسد، قدمش بر صراط آخرت می‌لغزد و به جهنم می‌افتد (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶/۸). از این رو شناخت راه مستقیم، شناخت امام و اطاعت از اوست.

### ۳-۶. محبت به اهل بیت (ع)

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که ثابت‌قدم‌ترین انسان‌ها بر صراط، کسی است که بیشترین محبت را به اهل بیت (ع) داشته باشد: «أُثْبِتُكُمْ قَدَمًا عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹/۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶)، هم‌چنین پیامبر اکرم (ص) به - حضرت علی (ع) می‌فرماید محبت تو در دل مؤمن موجب استوار شدن گامش بر صراط و رساندن او به بهشت می‌شود: «مَا ثَبَّتَ حُبُّكَ فِي قَلْبِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ فَرَزْتُ بِهِ قَدَمَهُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا ثَبَّتَ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِحُبِّكَ الْجَنَّةَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۷).

### ۴-۶. اعتدال و میانه‌روی

معنای دیگر «صراط» در دنیا براساس روایت از امام معصوم، همان راه اعتدال و میانه‌روی؛ به دور از افراط و تفریط و بدون اندکی انحراف است. از امام علی (ع) است که راه وسط و میانه همان راه اصلی است و راست و چپ گمراهی است و راهنما کتاب

۵-۶. پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و ائمه معصومین (ع)

## ۶-۶. راه انبیاء و پیامبران

۶-۷. ولایت امیر المومنین علی (ع)

۶-۸. قرآن کریم

## ۶. نمونه‌هایی از مفهوم و کاربرد «سبیل» در روایات

٧-١. اهل بيت (ع)

10.

## ۲-۷. شخصیت امام علی (ع) و اطاعت از ایشان

افزون بر این در منابع روایی به صورت عام همه اهل بیت (ع) به عنوان «سبیل» معرفی شده‌اند، احادیثی هم وجود دارد که به صورت خاص خود شخصیت امام علی (ع) و اطاعت از ایشان به سبیل تعبیر شده‌است؛ مانند خطبه حضرت در روز غدیر که با استناد با آیه قرآن خود را سبیل الله معرفی می‌کنند. هم‌چنین در خطبه ۱۵۶ نهج البلاغه نتیجه پیروی و اطاعت از خود را قرار گرفتن و پیمودن در سبیل الجنه بیان می‌کنند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۲۱۸).

## ۳-۷. راه‌های رسیدن به خدا

از دیگر موارد استعمال واژه «سبیل»، در بیان راه‌هایی برای رسیدن به خداست. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۲۰ نهج البلاغه در بیان راه دین و مقصد نهایی آن واژه «سبیل» را به کار برده‌اند. هم‌چنین در خطبه‌های ۱۶۱ و ۱۵۷ با استفاده از کلمه «سبیل» اشاره می‌کنند که خداوند این راه الهی را برای بندگان آشکار و روشن ساخته است: «فَإِنَّ الْأَمْرَ وَاضِحٌ وَالْعِلْمُ قَائِمٌ وَالطَّرِيقُ جَدِّدٌ وَالسَّبِيلُ قَصْدٌ» و نیز «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَأَنَارَ طَرَفَهُ فَشِقْوَةٌ لَّزِمَةٌ أَوْ سَعَادَةٌ دَائِمَةٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). امام سجاد (ع) نیز در عباراتی از زیارت امین الله همین مفهوم را با استفاده از واژه «سبیل» و به گونه‌ای دیگر بیان می‌کنند، اینکه راه‌های روی آوردن بندگان به خداوند آشکار است: «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْئَةُ وَ سُبُلُ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۰).

## ۴-۷. حدود الهی

گاهی «سبیل» در مواردی استعمال شده که بیانگر حدود الهی است؛ یعنی همان احکام و قوانین الهی است که به افراد چگونگی قرار گرفتن در راه طاعت و طی کردن مسیر بندگی را نشان می‌دهند. برای نمونه در تفسیر صافی از امام صادق (ع) روایت آورده که در ذیل آیه ۱۵ سوره نساء فرمودند: این آیه نسخ شده و منظور از سبیل همان حدودی است که باید جاری شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۳۰/۱؛ طباطبایی ۱۴۱۷، ۲۵۳/۱). امام علی (ع) نیز در پایان خطبه ۱۵۱ نهج البلاغه مردم را به مقید بودن نسبت به حرام و حدود الهی و نیز هموار بودن راه‌های طاعت توصیه می‌کنند و سپس می‌فرمایند: «إِنَّكُمْ بَعَيْنِ مَنْ حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَعْصِيَةَ وَ سَهْلَ لَكُمْ سُبُلَ الطَّاعَةِ».

## ۵-۷. راه محبت

از جمله صفاتی که به همراه واژه «سبیل» می‌آید و ویژگی آن را بیان می‌کند، محبت است. در دعای اول صحیفه سجادیه آمده است: «ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ»، که امام سجاد (ع) راهی را با عنوان سبیل محبت الهی معرفی می‌کنند که حق تعالی مخلوقات را در این مسیر رهسپار کرده‌است.

## ۶-۷. مطلق راه

در متون روایی گاهی «سبیل» برای بیان راه؛ به معنای مطلق آن و بدون قید یا صفت خاصی؛ اعم از مسیرهای خشکی و دریایی، گاه نیز به صورت بیان مسیری که میدا و مقصد دارد، استفاده شده‌است. در عبارتی از دعای امام سجاد (ع) برای مرزبانان در صحیفه سجادیه، ایشان از خداوند می‌خواهند که دشمنان را در مسیرهایشان سرگردان کند: «وَوَاعِدُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَزْوَاجِهِمْ، وَ حَيْرُهُمْ فِي سَبِيلِهِمْ» (صحیفه سجادیه، ۱۲۸). امام علی (ع) نیز برای تبیین زندگی مردم در دنیا آنان را به مسافرانی تشبیه می‌کنند که مسیرشان را برای رسیدن به مقصد طی می‌کنند: «إِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَ مَثَلُهَا كَسَفَرٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوهُ وَ أَمُوا عِلْمًا فَكَأَنَّهُمْ قَدْ بَلَغُوهُ» (طوسی ۱۹۱۴، ۳۸۱/۱).

## ۷-۷. راه هدایت یا راه ضلالت و مخیر بودن در انتخاب هر یک

با بررسی منابع روایی مشاهده می‌شود که واژه «سبیل» در جایگاه‌های متفاوت و یا متضادی مورد استعمال قرار گرفته، به گونه‌ای که هم بار معنایی مثبت و هم منفی دارد. «سبیل» کلمه‌ای است که معنای عامی از راه‌های مختلف را به ذهن متبادر می‌کند، به طوری که انسان در انتخاب آن‌ها مخیر است. برای نمونه در «مصباح الشریعة» حدیثی به امام صادق (ع) نسبت داده

شده است که امام توصیه به نیت خالص کرده و می‌فرماید: «فَلَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ بِهَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا وَالْغَافِلُونَ قَدْ ذَمَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (مصباح‌الشریعه، ۵۳-۵۴)، بنابراین واژه «سبیل» می‌تواند بار منفی داشته باشد، به طوری که در بیان گمراه‌ترین راه‌ها از آن استفاده شود. با دقت در این حدیث می‌توان به دو تعریف و تبیین از سبیل رسید؛ یکی «اضل سبیل» که همان غفلت از یاد خدا در تمام شئون زندگی است و معنای دیگر درست در مقابل آن به معنای «اهدی سبیل» که داشتن نیت خالص در تمام حرکات و سکنات است. در کلام امیرمومنان علی (ع) هم می‌توان نمونه‌های بیشتری از این کاربرد را مشاهده کرد. مثل اینکه در حکمت ۱۰۳ نهج‌البلاغه صریحاً به «سبیلان مختلفان» اشاره می‌کنند که همان دنیا و آخرت هستند و هر کس با انتخاب یکی از دیگری دور می‌شود و این راه‌ها در مقابل هم هستند.

## ۷-۸. سبیل‌الله

از ترکیب‌های پرتکرار در منابع روایی عبارت «سبیل‌الله» است که به صورت جداگانه بررسی و مورد بازبینی قرار می‌گیرد. درواقع می‌توان گفت که این عبارت به مثابه کلیدواژه‌ای است که اهل‌بیت (ع) توسط آن به معرفی ابعاد مختلف قرارگرفتن در سیر الی‌الله می‌پردازند. در ادامه به مصادیقی که در روایات با این عبارت توصیف شده‌اند، اشاره می‌شود:

### ۷-۸-۱. جهاد و قتال

اولین مصداق بارزی که با شنیدن عبارت «سبیل‌الله» به ذهن متبادر می‌شود، جهاد و قتال در راه خداست. حراست از سرزمین‌های اسلامی، مقابله با دشمنان متجاوز و گذشتن از جان در این راه از مواردی است که روایات بسیاری به اهمیت آن پرداخته‌اند. در روایات کشته‌شدن در راه خدا به عنوان نیکی و خیری معرفی شده است که بالاتر از آن دیگر خیری وجود ندارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يَقْتُلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۸/۲). هم‌چنین پیامبر (ص) می‌فرماید که بهترین مردم کسی است که خود را وقف راه خدا نموده و با دشمنان او جهاد می‌کند (نوری، ۱۴۰۸: ۱۷/۱۱).

### ۷-۸-۲. جهاد مالی

کسب روزی حلال از دیگر مواردی است که به عنوان جهاد «فی سبیل‌الله» معرفی می‌شود و روایات زیادی به طرق مختلف آن را بیان می‌کنند؛ برای مثال امام رضا (ع) در حدیثی پاداش تلاش برای امرار معاش خانواده را بیشتر از شرکت در جنگ و جهاد فی سبیل‌الله می‌داند: «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفٍ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۷۵). هم‌چنین پیامبر (ص) در حدیثی اشاره می‌کنند که اگر کسی شجاعت جهاد در میدان جنگ را با جانش ندارد، می‌تواند مشارکت خود را در سطح دیگری مثل کمک مالی به انجام برساند (ابن‌حیون، ۱۴۰۹: ۲۱۹/۲). ایشان در حدیثی دیگر نیز خروج هر شخص را از خانه به نیت تلاش برای تأمین کودکان خردسال خود، یا تأمین پدر و مادر پیر و فرتوتش و یا حتی برای تأمین خودش و برای این‌که نگذارد محتاج کسی شود، بودن در راه خدا معرفی می‌کنند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۳۳۷).

## ۹. نمونه‌هایی از مفهوم و کاربرد «طریق» در روایات

### ۹-۱. معرفت‌الله

یکی از جایگاه‌هایی که در روایات واژه طریق استفاده شده است، در بیان طریق معرفت خداوند است. برای نمونه فردی از پیامبر اکرم (ص) در این باب سوال پرسیده است که: «فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَعْرِفَةُ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مُوَافَقَةِ الْحَقِّ؟ قَالَ: مُخَالَفَةُ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى رِضَا الْحَقِّ؟ قَالَ: سَخَطُ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى وَصْلِ الْحَقِّ؟ قَالَ: هَجْرُ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى طَاعَةِ الْحَقِّ؟ قَالَ: عَصْيَانُ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى ذِكْرِ الْحَقِّ؟ قَالَ: نِسْيَانُ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى قُرْبِ الْحَقِّ؟ قَالَ: التَّبَاعُدُ مِنَ النَّفْسِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى أَنْسِ الْحَقِّ؟ قَالَ:

الْوَحْشَةُ مِنَ النَّفْسِ، فقال: يا رَسُولَ اللَّهِ، فكيفَ الطَّرِيقُ إلى ذلك؟ قال: الاستِعَانَةُ بِالْحَقِّ عَلَى النَّفْسِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲/۶۷). در این حدیث چگونگی رسیدن به معرفت و قرب الهی در ابعاد مختلف پرداخته شده که محوریت آن شناخت و مخالفت با نفس است. قابل مشاهده است که در تبیین ابعاد مختلف در بررسی این مسیر از واژه «طریق» استفاده شده است.

## ۲-۹. طریق حق و طرق مقابل آن

کاربرد واژه «طریق» در متون روایی، هم در بیان طریق حق و با بار معنایی مثبت دیده می شود و هم در بیان طریق مقابل آن و با بار معنایی منفی. برای نمونه عباراتی در ادعیه صحیفه سجادیه مشاهده می شود که از خداوند درخواست می کنیم ما را به طریق حق هدایت نموده و در مقابل از رفتن به طرق دیگر باز دارد: «مَتَّعْنِي بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَهُ حَقًّا لَا أَرْيَغُ عَنْهَا» (صحیفه سجادیه، ۹۴). روایتی از امام علی (ع) در نهج البلاغه است که امام بطور صریح بیان می کند که کسی به راه راست است و به طریق حق می شتابد و نور یقین را در دلش روشن می کند که در برابر منکرات به مبارزه برمی خیزد تا کلمه حق برآید (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳).

## ۳-۹. مسیر انسان به سوی آخرت

از دیگر کاربردهای «طریق» در روایات اشاره به مسیر اخروی است که انسان در پیش دارد؛ مسیری که امیرالمومنین (ع) آن را با عبارت طول الطريق توصیف می کنند و دورنمایی از قرارگرفتن در این مسیر را متذکر می شوند: «آه مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ، وَ طُولِ الطَّرِيقِ، وَ بَعْدِ السَّفَرِ، وَ عَظِيمِ الْمَوَدِّ» (نهج البلاغه، حکمت ۷۷). در حدیثی دیگر ایشان تفکر در قدرت شگرف و نعمت های عظیم خداوند را از عوامل موثر بازگشت به این مسیر می دانند که توجه به عذاب های آخرت از نتایج آن است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶/۳).

## ۴-۹. فرمان و اوامر الهی

در مواردی واژه «طریق» به همراه کلمه امر آمده که بیانگر مسیری است که با اوامر و فرمان های الهی مشخص شده است؛ چنان که در دعای اول صحیفه سجادیه آمده است: «ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيُتَبَلَى شُكْرُنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ» (صحیفه سجادیه، ۳۲). گویا امام سجاده (ع) اوامر و فرامین الهی را به عنوان طریقی مطرح نموده اند که انسان ها به گام نهادن در آن مختارند. یکی دیگر از نمونه های آن در سخنان امام علی (ع) است. ایشان علم را راهنمایی کننده انسان می دانند به آن چه خداوند فرمان داده است که از طرف دیگر زهد قدم گذاشتن در این طریق اوامر الهی را برای او آسان تر می کند: «الْعِلْمُ يَرْشِدُكَ إِلَى مَا أَمَرَكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ وَ الزُّهْدُ يَسَهِّلُ لَكَ الطَّرِيقَ إِلَيْهِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۲).

## ۵-۹. طریق محبت

مطابق با وحی الهی به حضرت داوود (ع) یکی از راه هایی که خود خداوند آن را معرفی می کند، طریق محبت است که قرارگرفتن در آن مبتنی بر دوری و دل کندن از دنیا و افرادی است که مفتون آن شدند. هرکس مجذوب دنیا شود، از طریق محبت بازمانده و کمترین اثرش محروم شدن از چشیدن حلاوت مناجات با خداست. لازم به ذکر است که این حدیث از امام صادق (ع) نیز نقل شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹/۱).

## ۶-۹. مطلق راه

واژه «طریق» به معنای عام آن، بدون هیچ گونه عبارت وصفی یا قرینه ای در روایت به کار رفته است. یکی از کاربردهای آن در رفع موانع از مسیر رفت و آمد مردم است که هم خود اهل بیت (ع) این کار را انجام می دادند و هم به بیان ثواب و ارزشمندی این کار در روایات اشاره شده است. نمونه دیگر این نوع روایات، بیان ثواب اخروی برداشتن سنگ از مسیر راه و یا بریدن درختی است که باعث آزار و اذیت مردم شده است (طبرانی، ۱۴۰۹: ۱۰۱/۲۰-۱۰۲). پیامبر (ص) نیز در حدیثی پاداش کسی را بیان می کنند که برای رهگذران سریناهی بسازد: «مَنْ بَنَى عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ مَا يَأْوِي عَابِرَ سَبِيلٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ دُرٍّ وَ وَجْهَهُ يَضِيءُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ نَوْرًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۹۱).

## نتیجه‌گیری

در بررسی سه واژه «صراط»، «سبیل» و «طریق» در آیات قرآن کریم مشخص گردید که واژه «صراط»، برخلاف «سبیل» و «طریق»، همواره به صورت مفرد آمده و خداوند تنها یک صراط مستقیم را به خود نسبت داده، اما سبیل‌های بسیاری را بر شمرده است؛ مفسران علت این امر را اینگونه توجیه می‌نمایند که صراط مستقیم همچون شاهراهی، شامل همه سبیل‌ها و طرق است که به مانند راه‌های فرعی به بزرگراه صراط منتهی می‌شوند. خداوند صراط مستقیم را جز در یک آیه، به کسی از مخلوقاتش نسبت نداده، ولی سبیل را در موارد متعددی به مخلوقاتش مانند پیامبر(ص)، توبه‌کاران و مؤمنین نسبت داده است. در قرآن کریم، «صراط» فقط در راه خیر به کار رفته اما سبیل و طریق، هم در راه خیر و هم در راه شرّ به کار رفته‌اند. همچنین، «سبیل» ممکن است دچار آفت گردد، ولی «صراط مستقیم» هرگز دچار آفت نمی‌شود. «سبیل» گاهی با شرک و ضلالت جمع می‌شود، اما «صراط» اینگونه نیست. در بررسی آیات قرآن مشخص گردید که واژه «صراط» بر مواردی چون مطلق راه (راه مثبت و منفی)، راه خدا، راه پیامبر اکرم(ص)، راه نعمت داده‌شدگان، دین، دین اسلام، ولایت امام علی(ع)، عبودیت و اطاعت، تبعیت از خدا، قرآن و رسول، اعتصام به خدا یا تمسک به کتاب خدا و پیروی رسول خدا، راه عدل، راه انسان‌شنا و حق‌گو، راه حقّ یا ایمان به آخرت و طلب راه حقّ دلالت دارد. واژه «سبیل» در قرآن بر مطلق راه، طریقه «توالد و تناسل»، اطاعت از خدا و دستورات الهی، عقوبت و سرزنش، جهاد، حجت و برهان، مسلک، راه زنبور عسل، تسهیل‌کننده راه هدایت به سوی خدا، مال و توشه، صحت و توانایی، راه گریز یا حدود الهی، علت‌ها، هدایت و راهیابی، تعدی و تجاوز، راه حل مشکل، دین، ملت، هر چیزی که با آن به هدف و مقصود می‌رسند و راه گمراهی دلالت دارد. «طریق» در قرآن برای مواردی چون مطلق راه (راه خوب یا بد)، ایجاد راهی خشک در عمق دریا برای عبور بنی‌اسرائیل، راه‌های زمینی و آسمانی، طریقه و مسلک و شیوه، آئین و دین و مذهب و راه ایمان استفاده شده است. «صراط» در روایات به کمین‌گاه یا پلی بر جهنم در آخرت، راهی برای شناخت خداوند، محبت به اهل بیت(ع)، اعتدال و میانه‌روی پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) و ائمه معصومین(ع)، راه انبیاء و پیامبران، ولایت امیرالمومنین علی(ع) و قرآن کریم اطلاق شده است. «سبیل» در روایات بر اهل بیت(ع)، شخصیت امام علی(ع) و اطاعت از ایشان، راه‌های رسیدن به خدا، حدود الهی، راه محبت، مطلق راه (مسیرهای خشکی و دریایی)، راه هدایت یا راه ضلالت و مخیربودن در انتخاب هریک و سبیل‌الله (شامل جهاد و قتال و جهاد مالی) دلالت دارد و «طریق» در روایات نیز برای مواردی چون معرفت-الله، طریق حق و طرق مقابل آن، مسیر انسان به سوی آخرت، فرمان و اوامر الهی، طریق محبت و مطلق راه (مسیر رفت و آمد) مورد استفاده قرار گرفته است.

با تدبیر در مصادیق «سبیل» در آیات قرآن مشخص می‌گردد که این واژه معنای عام و گسترده‌ای را شامل می‌شود. از این کلمه برای بیان معنایی که انسان‌ها در زندگی عادی و دنیوی خود استفاده می‌کنند و نیز در مفاهیمی که در باب امور معنوی است، استعمال شده است. نکته قابل ذکر این که سبیل در مواردی استفاده می‌شود که هم بار معنایی مثبت دارد و هم گاهی بار معنایی منفی؛ این در حالی است که «صراط» به جز آیه ۲۳ سوره صافات، همواره بار معنایی مثبتی را داشته است. بررسی مصادیق «طریق» نیز در آیات قرآن دلالت بر این دارد که این واژه نیز، هم در امور مادی و هم در امور معنوی، هم در راستای امور خیر و هم در راستای امور شر کاربرد دارد. مفهوم «سبیل» و «طریق» در روایات نیز هم بر امور مادی و هم بر امور معنوی دلالت دارند. مفهوم واژه «طریق» در روایات نیز هم در امور خیر و هم در امور شر به عنوان راه‌های شیطانی و راه‌های اختلاف و درگیری به کار رفته است. با بررسی مصادیق واژه «راه» در آیات و روایات مشخص گردید که برخی از مصادیق مفهومی مشابه بایکدیگر دارند: «راه» در همه موارد به جز «صراط» در روایات، به مطلق راه اطلاق گشته است، هر چند در «صراط» و «طریق» در آیات، به مفهوم راه خوب یا بد و در سایر موارد به مفهوم راه زمینی، دریایی و مسیر رفت و آمد است. راه خدا (چه منظور اطلاعات از دستورات خدا باشد، چه راه شناخت خدا، چه هدایت به سمت خدا، چه معرفت خدا و یا راه‌های رسیدن به خدا) در همه موارد به جز «طریق» در آیات، مشابه است. «راه» به طور مشابه در «صراط»، «سبیل» و «طریق» در آیات، به معنای دین- است. «صراط» در مصادیق آیات و روایات و «سبیل» در روایات، به معنای ولایت و اطاعت از امام علی(ع) می‌باشد. مفهوم

مسلك در «سبيل» و «طريق» روايات، يكسان است. «راه» به معنای «صراط» در آیات و «طريق» در روايات، به مفهوم راه حق است. «سبيل» در آیات و روايات، به طور مشابه به معنای جهاد است. «سبيل» در مصادیق آیات و روايات به حدود الهی اطلاق شده است. راه هدایت در مصادیق آیات و روايات تحت واژه «سبيل» به چشم می خورد. «راه» در معنای «سبيل» و «طريق» در روايات، مشترکاً به معنای راه محبت است. «صراط» در آیات و روايات به مفهوم راه پیامبر (ص) و در نهایت، «صراط» در آیات و روايات هردو به معنای راه قرآن کریم و تبعیت از آن می باشد. بدین ترتیب، واژگان «صراط»، «سبيل» و «طريق» در آیات و روايات هم مفاهیم مشابهی با یکدیگر دارند و هم در بسیاری از موارد به مفاهیمی کاملاً متضاد اطلاق می گردند. از این رو پیشنهاد می شود برای شناخت بیشتر سایر مفاهیم واژه «راه» همچون، منهاج، شرع، شرعه، فجّ، نجد، جدد و حبک، این واژگان نیز در آیات و روايات به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه سجادیه.
۳. مصباح الشریعه.
۴. نهج البلاغه.
۵. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، مدینه منوره: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۶. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷)، الغیبه، تهران: نشر صدوق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۴۰۹)، شرح الخبر فی فضائل الائمة الطهار علیهم السلام، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة- العلمیه بقم.
۹. ابن شاذان قمی، أبوالفضل، (۱۳۶۳)، الفضائل، قم: رضی.
۱۰. ابن عبدالسلام، عزالدین عبدالعزیز، (۱۴۱۶)، تفسیر العز بت عبدالسلام، بیروت: دار ابن حزم.
۱۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویه.
۱۳. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۱۴. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، (۱۴۱۵)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰)، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. رازی، حسین بن علی ابوالفتح، (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۸. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، (۱۴۱۹)، ارشادالأذهان الی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۱)، الإتقان فی علومالقرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۱. شریف‌الرضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴)، نهج‌البلاغه (للسبیحی صالح)، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، حمدی سلفی، عبدالمجید، (۱۴۰۹)، مسندالشامیین، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. طوسی، ابونصرالسراج، (۱۹۱۴)، اللمع فی التصوف، تهران: اساطیر.
۲۷. طهماسبی، عدنان، همایونی، سعدالله، بهادری، ابوالفضل، (۱۳۹۲)، بررسی بنیادی برخی از الفاظ قریب‌المعنی در قرآن کریم (دلالت‌ها- کاربردها)، فصلنامه علمی پژوهشی ادبی- قرآنی، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، ص ۱۵۵-۱۷۸.
۲۸. عروسی‌حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵)، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۹. عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰)، کتاب‌التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۰. فرات‌کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰)، تفسیر فرات‌الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۱. فخررازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح‌الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۲. فیض‌کاشانی، ملامحسن، (۱۴۱۵)، تفسیرالصادق، تهران: انتشارات‌الصدر.
۳۳. قرشی، سیدعلی‌اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب‌الإسلامیه.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب‌الإسلامیه.
۳۵. لیثی‌واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون‌الحکم و المواعظ، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحار‌الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۷. محجوب، عطاءالله، علی‌پورعبدلی، شیرمحمد، (۱۳۹۸)، معناشناسی دو واژه قریه و مدینه در قرآن کریم، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان، سال چهارم، شماره هفتم، ص ۸۰-۶۳.
۳۸. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸)، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.